

حکمرانی جهانی: هوش مصنوعی

نویسنده: مهندس محمد حسین کاشی

مقدمه

با گسترش سریع هوش مصنوعی (AI) به عنوان یک نیروی تحول آفرین در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی، حکمرانی جهانی بر این فناوری به یک چالش بی سابقه تبدیل شده است. توسعه هوش مصنوعی نه تنها فرصت‌های زیادی را برای ارتقای رفاه انسانی و حل مشکلات پیچیده جهانی ایجاد کرده، بلکه تهدیدهای جدیدی را نیز به وجود آورده است که مدیریت آن‌ها نیازمند همکاری بین‌المللی و ایجاد چارچوب‌های جدید است. در غیاب یک ساختار حکمرانی جهانی هماهنگ، کشورهای مختلف در حال رقابت برای دستیابی به برتری در حوزه هوش مصنوعی هستند، که این مسئله منجر به تشدید شکاف‌های اقتصادی و فناوری در سطح جهانی شده است. **خصوصاً در کشور ما که به دلیل تحریم‌های ظالمانه دچار مشکلات فراوان برای حضور و استفاده از این قبیل فناوری می‌شود.**

در این یادداشت کوتاه، به بررسی چالش‌های حکمرانی جهانی هوش مصنوعی پرداخته و رویکردی جامع برای هم‌زیستی و همکاری بین‌المللی در استفاده از این فناوری ارائه می‌شود. مقاله همچنین به تحلیل نقش‌های متفاوتی که بازیگران اصلی (مانند ایالات متحده، چین، و اتحادیه اروپا) در این زمینه ایفا می‌کنند، می‌پردازد و پیشنهادهایی برای سازمان‌دهی سازوکارهای حکمرانی در سطوح ملی، منطقه‌ای، و جهانی ارائه می‌کند.

۱. چالش‌های حکمرانی هوش مصنوعی در سطح جهانی

هوش مصنوعی با سرعتی غیرقابل پیش‌بینی در حال تحول است و این پیشرفت سریع، کشورهای مختلف را با چالش‌های جدیدی روبه‌رو کرده است. این چالش‌ها را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

۱,۱. رقابت اقتصادی

هوش مصنوعی به‌عنوان یک دارایی استراتژیک و ابزاری برای قدرت‌آفرینی اقتصادی در سطح جهانی در نظر گرفته می‌شود. کشورهای که سرمایه‌گذاری بیشتری در این زمینه دارند، می‌توانند به مزیت‌های رقابتی قابل توجهی در بازارهای جهانی دست یابند. این رقابت اقتصادی موجب شده است تا کشورها نه تنها در حوزه پژوهش و توسعه (R&D) بلکه در تأمین منابع انرژی، زیرساخت‌های محاسباتی، و دسترسی به داده‌ها نیز با یکدیگر رقابت کنند. رقابت سنگین خصوصاً در لایه‌های کلان استفاده از تکنولوژی‌های جدید و هوشمندسازی موجب گسترش شکاف بین سایر کشورهای بی‌بهره از این حوزه می‌گردد.

همان‌طور که می‌دانیم هوش مصنوعی به‌شدت به منابع محاسباتی و داده‌ها وابسته است. به‌عنوان مثال، پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۶، تقاضای برق برای محاسبات هوش مصنوعی به ۷۰ تراوات ساعت برسد، که با مصرف برق برخی کشورهای کوچک اروپایی برابری می‌کند. در چنین شرایطی، دسترسی به منابع انرژی ارزان و پایدار به یکی از عوامل کلیدی جذب سرمایه‌گذاری در این حوزه تبدیل می‌شود. تأمین منابع مورد نیاز در این حوزه برخی شرکت‌ها و غول‌های بزرگ فناوری را وادار کرده اقدام به خرید نیروگاه‌های کوچک هسته‌ای برای تأمین انرژی بکنند.

۱,۲. تقابل ژئوپلیتیکی

هوش مصنوعی علاوه بر رقابت اقتصادی، به ابزاری ژئوپلیتیکی نیز تبدیل شده است. کشورهای پیشرو نظیر ایالات متحده و چین در یک رقابت شدید برای رهبری جهانی در زمینه توسعه و تعیین استانداردهای هوش مصنوعی قرار دارند. این رقابت نه تنها بر سر برتری فناوری، بلکه بر سر نفوذ در بازارها و تنظیم استانداردهای جهانی هوش مصنوعی نیز هست. با توجه به تمرکز چین بر کنترل دولتی و ایالات متحده بر نوآوری آزاد، این دو کشور به‌دنبال مدل‌های متفاوتی از حکمرانی هوش مصنوعی هستند که هر کدام تأثیرات ژئوپلیتیکی خاص خود را دارد.

این رقابت منجر به قطب‌بندی جدیدی بین کشورهایی با دسترسی کمتر به منابع هوش مصنوعی ممکن است در توسعه این فناوری عقب‌مانند و این مسئله شکاف فناوری و نابرابری بین‌المللی را تشدید کند. کشورهای توسعه‌یافته توانایی سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و منابع لازم برای توسعه هوش مصنوعی را دارند، در حالی که

کشورهای کمتر توسعه یافته نه تنها از این فرصت‌ها محروم هستند، بلکه حتی در معرض مخاطرات ناشی از این فناوری نیز قرار دارند. و در حوزه مخاطرات و ریسک برای سایر کشورها نیز باید تدابیری اندیشیده شود.

۱,۳. مسائل اخلاقی و اجتماعی

هوش مصنوعی مسائل اخلاقی و سیاسی جدیدی را مطرح کرده است که نحوه مواجهه با آن‌ها می‌تواند سرنوشت آینده جوامع انسانی را رقم بزند. مسائل مربوط به حریم خصوصی، عدالت، تبعیض، و سامانه‌های مرتبط با اتوماسیون نیروی کار تنها برخی از چالش‌های مطرح در این حوزه هستند. به‌عنوان مثال، استفاده گسترده از هوش مصنوعی در حوزه نظارت می‌تواند منجر به نقض حریم خصوصی و حقوق بشر شود. همچنین، الگوریتم‌های هوش مصنوعی ممکن است در آینده تبعیض‌های موجود در جامعه را بازتولید کنند و منجر به نابرابری بیشتر شوند.

۲. حکمرانی هوش مصنوعی: عدم وجود یک رژیم جهانی منسجم

در حال حاضر، هیچ چارچوب جهانی واحدی برای حکمرانی بر هوش مصنوعی وجود ندارد. در عوض، هر کشور یا منطقه بر اساس اولویت‌های خاص خود به توسعه مقررات و قوانین مربوط به هوش مصنوعی پرداخته است. برخی از رویکردهای اصلی در این زمینه عبارت‌اند از:

اتحادیه اروپا: رویکرد اتحادیه اروپا مبتنی بر حفاظت از حقوق اساسی، دموکراسی، و حاکمیت قانون است. این اتحادیه با تصویب "قانون هوش مصنوعی اتحادیه اروپا" در سال ۲۰۲۴، یک چارچوب قانونی جامع و الزام‌آور برای هوش مصنوعی ایجاد کرد. این قانون کاربردهای پرخطر هوش مصنوعی را در دسته‌های خاصی قرار داده و استفاده از برخی فناوری‌ها مانند دسته‌بندی بیومتریک و امتیازدهی اجتماعی را ممنوع کرده است.

چین: مدل تنظیم‌گری چین متمرکز بر کنترل دولتی و استفاده از هوش مصنوعی برای حفظ ثبات اجتماعی و رشد اقتصادی است. دولت چین با تصویب مقررات مختلف، از جمله "اقدامات موقت برای مدیریت خدمات هوش

مصنوعی تولیدی" در سال ۲۰۲۳، بر استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی در خدماتی نظیر ربات‌های گفتگو و تولید تصاویر نظارت دارد.

ایالات متحده: ایالات متحده رویکردی مبتنی بر بازار و نوآوری آزاد اتخاذ کرده است و مقرراتی که از نوآوری در این حوزه حمایت کند، اولویت دارد. این کشور بر تعهدات داوطلبانه و اقدامات غیرالزام‌آور تأکید دارد و در عین حال سعی می‌کند تا در تنظیم مقررات انعطاف‌پذیری بالایی را حفظ کند. گرچه برای قضاوت در این حوزه هنوز زود است.

هند: هند با رویکردی توسعه‌محور به دنبال استفاده از هوش مصنوعی برای توانمندسازی بخش‌های کم‌برخوردار جامعه و ایجاد رشد اقتصادی است. این کشور با تمرکز بر پنج حوزه کلیدی شامل بهداشت، کشاورزی، آموزش، شهرهای هوشمند و حمل‌ونقل هوشمند، تلاش دارد تا از هوش مصنوعی برای پیشبرد توسعه پایدار بهره‌برداری کند.

۳. سازمان‌دهی هم‌زیستی: راهکار پیشنهادی برای حکمرانی جهانی هوش مصنوعی

با توجه به عدم امکان ایجاد یک مدل جهانی واحد برای هوش مصنوعی، به اعتقاد بنده به جای تلاش برای همگرایی کامل، بر روی "سازمان‌دهی هم‌زیستی" تمرکز شود. این رویکرد می‌تواند بر اساس سه اصل زیر تنظیم شود:

۳.۱. ارزیابی مشترک پیشرفت‌ها و ریسک‌های هوش مصنوعی

یک چارچوب جهانی برای سنتز و انتشار جدیدترین دانش علمی در مورد قابلیت‌ها و خطرات هوش مصنوعی باید ایجاد شود تا منبعی معتبر برای اطلاع‌رسانی تصمیم‌گیری جهانی باشد. این چارچوب می‌تواند گزارش‌های دوره‌ای در مورد پیشرفت‌ها و مخاطرات هوش مصنوعی ارائه دهد. و همین‌طور در حوزه خطرات و فرصت‌ها به کشورها یاری برساند.

۳,۲. دسترسی عادلانه و توزیع منافع

ایجاد سازوکارهای ویژه برای جلوگیری از تعمیق شکاف دیجیتال، به‌ویژه برای کشورهای با درآمد پایین و متوسط، از طریق ظرفیت‌سازی، انتقال فناوری و حمایت مالی ضروری است. این رویکرد می‌تواند از مدل‌هایی مانند "ائتلاف جهانی برای واکسن‌ها و ایمن‌سازی (Gavi)" الهام گرفته و از طریق همکاری‌های بین‌المللی به ایجاد دسترسی برابر به فناوری‌های هوش مصنوعی کمک کند.

۳,۳. کاهش ریسک‌ها و افزایش ایمنی

ایجاد استانداردهای بین‌المللی برای توسعه و به‌کارگیری هوش مصنوعی و تشکیل شبکه‌ای جهانی از مؤسسات ایمنی هوش مصنوعی برای نظارت بر رعایت استانداردها و ارزیابی ریسک‌ها ضروری است. این شبکه می‌تواند با هدف جلوگیری از سوءاستفاده یا توسعه ناپایدار فناوری، همکاری‌های بین‌المللی را در این زمینه تقویت کند.

۴. نتیجه‌گیری کلی

حکمرانی جهانی هوش مصنوعی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که نوآوری را تقویت کرده، ایمنی و شفافیت را تضمین کند و دسترسی عادلانه به این فناوری را برای همه فراهم آورد. در حال حاضر، رقابت‌های اقتصادی، ژئوپلیتیکی و فرهنگی مانع از ایجاد یک مدل جهانی واحد شده است. با این حال، راهبرد "سازمان‌دهی هم‌زیستی" می‌تواند راهکاری عملی برای ایجاد یک شبکه جهانی متوازن از توافقات و نهادهای حکمرانی در حوزه هوش مصنوعی باشد.

هدف نهایی حکمرانی هوش مصنوعی نه تنها مدیریت این فناوری، بلکه بهره‌برداری از پتانسیل‌های عظیم آن برای رفاه و پیشرفت بشری است. این امر مستلزم همکاری بین‌المللی، تعهد به اصول اخلاقی و توجه به نیازهای کشورهای کمتر توسعه‌یافته است. به این ترتیب، می‌توان از هوش مصنوعی به‌عنوان یک نیروی مثبت برای ایجاد جهانی بهتر بهره‌برداری کرد.